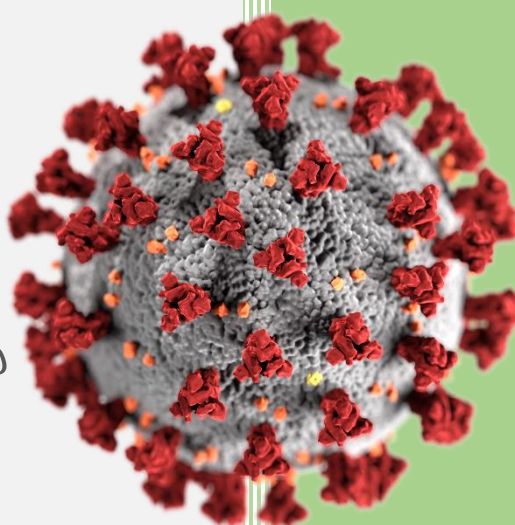


# دانشگاه تربیت مدرس



## دیدهبانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

### جایگاه حقوقی ستاد ملی مبارزه با کرونا و راه حل رفع موانع قانونی

دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده<sup>۱</sup>، شیرین‌دخت پیروزان‌فرد<sup>۲</sup>

استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی،<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

[habibzam@modares.ac.ir](mailto:habibzam@modares.ac.ir)

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

گروه مطالعات علم و فناوری - ۱۹

## مقدمه

مقابله با شیوع بیماری‌های مسری و همه‌گیر یکی از نخستین حقوق شهروندان هر کشور است؛ زیرا گسترش این قبیل بیماری‌ها نه تنها سلامت، تمامیت جسمانی و حیات بشر را به مخاطره می‌اندازد بلکه کلیه ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی او را نیز متأثر می‌سازد. بدین‌سان حق بر سلامت به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد ملی و بین‌المللی جایگاهی ویژه دارد. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان اسناد بین‌المللی و اصل ۲۹ و بند یک از اصل ۴۳ ق.ا. ایران به عنوان قانون فرادست، حق بر سلامت را برای شهروندان به رسمیت شناخته‌است و برای نیل به این مقصود قانونگذار ایران در اسناد راهبردی و برنامه‌هایی نظیر قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه تمهیداتی را اندیشیده‌است. بدیهی است که متعاقب قوانین بالادستی که تنها به حقوق و تکالیف دولت‌ها و شهروندان پرداخته‌اند، بایستی مقرراتی صریح و روشن نیز وضع گردد تا در آن علاوه بر تعیین وظایف شهروندان و مسئولیت‌های متولیان پیشگیری و مقابله با بیماری‌های واگیردار، ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورات قانونی نیز تعیین شوند. بدین‌سان تبعیت از سلسله مراتب مذکور و وضع قانون در این زمینه، به معنی نهادمند کردن روش‌های مقابله و پیشگیری و نیز مشروعیت ضمانت اجراهای سخت و مجازات متخلفین خواهد بود. اصل حاکمیت قانون در نحوه اداره حکومت مستلزم آن است که کلیه تصمیماتی که متولیان برای تمشیت امور کشور اتخاذ می‌نمایند و متضمن الزام شهروندان به انجام تکالیفی مشخص است، به تصویب قانونگذار برسد و ضمانت اجرای نقض و سرپیچی از اجرای این تصمیمات به وضوح و شفافیت بیان شود تا شهروندان خود را موظف به اجرای آن‌ها بدانند. در سایه اصل مذکور و تأکید بر حقوق و آزادی‌های شهروندان، اوامر و دستورات مقامات دولتی، اداری، نظامی و انتظامی مشروعیت یافته و به جهت رعایت اصل حاکمیت قانون و انتشار قوانین موضوعه، اعمال مجازات و ضمانت اجراهای مدنی، کیفری و اداری منصفانه و عادلانه خواهد بود.

## تأسیس ستاد ملی مبارزه با کرونا و طرح مشکلات حقوقی آن

در پی بحران ناشی از انتشار ویروس کوید ۱۹ در جهان، ورود این بیماری به ایران به طور رسمی در تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۸ مورد تأیید قرار گرفت. فقدان قوانین و مقررات روشن و شفاف در این شرایط بحرانی، موجب گشت تا در اوایل اسفند سال ۱۳۹۸ با مصوبه شورای عالی امنیت ملی "ستاد ملی مبارزه با کرونا" تشکیل گردد که ریاست آن بر عهده وزیر محترم بهداشت قرار گیرد. سه هفته پس از آن نیز به دلیل عدم وجود اختیارات کافی ستاد مذکور، "شورای پشتیبانی برای حمایت از تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کرونا" به تصدی ریاست جمهوری وارد عرصه مدیریت این بحران شد. از آن جا که تصمیمات ستاد مذکور بر ساز و کارهای قانونی و مصوبات قابل انتشار منطبق نبود؛ رئیس مجلس شورای اسلامی

به عنوان رئیس قوه قانونگذاری طی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت: "بایستی ستاد مذکور قدرت کافی داشته باشد و تمام بخش‌ها مکلف به تبعیت از دستورات ستاد ملی مبارزه با کرونا می‌باشند". النهایه برای اولین بار در طول تاریخ حقوق ایران با تصویب ستاد مذکور در تاریخ دهم اسفند ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی به مدت یکماه به جهت جلوگیری از انتشار ویروس کوید ۱۹ تعطیل شد. این امر در شرایطی صورت گرفت که در این مقطع حساس و بحرانی، جامعه نیازمند تدبیر و ابتکار عمل نمایندگان خود بود. تدوین قوانین و مقررات مناسب با وضعیت حادث شده برای پیشگیری و مقابله با بیماری خطرناک کرونا و نیز برخورد قاطعانه با متخلفان، فقط و فقط در حیطه اختیارات مجلسی بود که توسط ستاد ملی مبارزه با کرونا به تعطیلی کشیده شد! و فلسفه وجودی قوه مقننه در قانون اساسی لوٹ گردید. دستور تعطیلی مجلس در واقع منجر به تعطیلی اصل ۶۳ قانون اساسی گردید. اهمیت دایر بودن مجلس شورای اسلامی تا آنجاست که در اصل ۶۸ ق.ا. در مورد توقف انتخابات در زمان جنگ و اشغال نظامی مقرر می‌دارد که در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق هم‌چنان به کار خود ادامه خواهد داد. بدین ترتیب ضرورت برگزاری جلسات مجلس شورای اسلامی و عدم تعطیلی آن امری واضح و روشن است. بنابراین با وجود امکان برگزاری جلسات مجلس با رعایت نکات بهداشتی و یا از طریق ویدئو کنفرانس یا سایر امکانات، به هیچ وجه تعطیلی مجلس قابل توجیه نبود و در صورت نیاز به تعطیلی، مجلس خود باید در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کرد. انفعال نمایندگان مجلس شورای اسلامی درست در زمانی که مردم بیش از هر زمان دیگر نیازمند حضور فعال آنان بودند، تا جایی پیش رفت که به رغم تصمیم نمایندگان مجلس به برگزاری جلسه علنی، پس از یکماه تعطیلی در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۸۹؛ وزیر محترم بهداشت به عنوان رئیس "ستاد ملی مبارزه با کرونا" طی نامه‌ای از ریاست قوه مقننه خواستند که مجلس دو هفته دیگر تعطیل باقی بماند.

چنانچه استدلال شود که "تشکیل ستاد ملی مبارزه با کرونا" با استناد به بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در مواردی که معضلات نظام از طرق عادی قابل حل نباشد، از اختیارات رهبری است؛ پاسخ این است که تعیین سیاست‌های کلی نظام از اختیارات رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در این زمینه مشورتی صورت نگرفته است. به علاوه در زمان حاضر که حالت اضطرار و ضرورت رفع شده است، تصویب قانون متناسب با وضعیت موجود توسط مجلس شورای اسلامی امری حیاتی است.

اما سوال این است که آیا "ستاد ملی مبارزه با کرونا" از لحاظ سلسله مراتب وضع قوانین و مقررات می‌تواند با صدور اطلاعیه و دستورالعمل اقدام به تعطیلی مجلس، اماکن فرهنگی و هنری، محل کسب و کار اشخاص، صدور دستور برای قرنطینه اجباری افراد و منع آمد و شد افراد و وسایل نقلیه نماید و در مورد اعمال ضمانت اجرای کیفری و مدنی در

مورد متخلفان، از جمله صدور دستور توقیف اتومبیل متخلفان و الزام آنان به پرداخت جریمه پانصد هزار تومانی تصمیم بگیرد؟

آشفستگی در تصمیم‌گیری جهت مقابله با اپیدمی کروناویروس و اظهارات ضد و نقیض مسئولان و از همه مهم‌تر عدم توجه مردم به اطلاعیه‌ها و مصوبات ستاد مذکور حکایت از آن دارد که دستورات و تصمیمات اتخاذ شده از آنجا که در بستر قانونی شکل نیافته‌است، نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد؛ زیرا شهروندان به خوبی می‌دانند که جریمه نقدی، توقیف اتومبیل و منع رفت و آمدها نیاز به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی دارد و نقض تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کرونا، با وضعیت موجود فاقد هرگونه ضمانت اجرای قانونی است.

**سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در مجموعه قوانین و مقررات ایران مستند قانونی لازم برای مبارزه و پیشگیری از بیماری کرونا از طریق اعمال محدودیت‌های مورد اشاره، بدون تشکیل ستاد مذکور وجود دارد تا دولت با نقض قانون اساسی مواجه نشود؟**

در پاسخ لازم به ذکر است که گر چه قوانین و مقررات موجود، کفایت لازم برای حل معضلات حادث شده را ندارد و قطعاً نیازمند تدوین مقررات جامع و مانع در این زمینه هستیم، اما مستندات زیر می‌تواند بخشی از اهداف مذکور را بدون الزام به نقض قانون اساسی و تشکیل یک ستاد با مصوبه شورای امنیت ملی، تأمین کند.

۱- به موجب اصل ۱۲۷ ق.ا. رئیس‌جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگانی ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیأت وزیران خواهد بود. هم‌چنین به موجب قسمت اخیر اصل ۱۳۸ ق.ا.: « ..... دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آن‌ها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستند». صرف‌نظر از اختلاف نظرهای موجود در زمینه تفسیر اصول مذکور و این که با وجود اصل ۱۳۸ چرا در بازنگری قانون اساسی، اصل ۱۲۷ با محتوای مشابه تصویب شد؛ در حال حاضر برای اداره امور مربوط به مبارزه با بیماری کرونا که جنبه خاص و اضطراری دارد، دولت می‌توانست به روال عادی، از اختیارات ناشی از اصول مذکور استفاده کند و موضوع را به "شورای امنیت ملی" که در موارد ویژه دارای اختیارات تصمیم‌گیری است و برای اجرای مصوبات آن تأیید رهبری نیز لازم است، ارجاع ندهد.

۲- مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۷ به منظور ارتقای توانمندی جامعه در امور پیش‌بینی و پیشگیری، کاهش خطر و آسیب‌پذیری، پاسخ مؤثر در برابر مخاطرات طبیعی، حوادث و بحران‌ها، تأمین ایمنی، تقویت تاب‌آوری با ایجاد مدیریت یکپارچه در امر سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی و انسجام در زمینه‌های اجرایی و پژوهشی، اطلاع‌رسانی متمرکز، ساماندهی و بازسازی مناطق آسیب‌دیده و نظارت دقیق بر فعالیت دستگاه‌های ذی‌ربط در حوزه حوادث و سوانح و کمک به توسعه پایدار برای مدیریت بحران کشور، قانون "مدیریت بحران کشور" را تصویب کرد. با توجه به ماده ۲ قانون مذکور: «قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی، شرکت‌های بیمه دولتی و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی، کلیه نهادها و واحدهای زیر نظر مقام معظم رهبری با اذن معظم‌له و دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته یا از قوانین و مقررات عام تبعیت کنند و مؤسسات و شرکت‌های وابسته یا تابعه آن‌ها مشمول این قانون می‌باشند»، اجرای آن می‌توانست دغدغه‌های پنهان دولت را در زمینه هماهنگی بین سازمان‌های نظامی و غیرنظامی مرتفع سازد. به موجب تبصره ماده ۴ قانون مدیریت بحران کشور، کلیه سندها و برنامه‌های ذکرشده از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون حداکثر ظرف مدت شش‌ماه تهیه و مراحل تصویب آن طی می‌شود. شورای عالی مدیریت بحران به ریاست رئیس‌جمهور یا معاون اول و ترکیبی از اکثر قریب به اتفاق نهادهای نظامی، غیرنظامی و اقتصادی ملی و محلی تشکیل شده‌است که در موارد اضطراری تصمیمات آن‌ها می‌تواند همه موضوعات را پوشش دهد. با توجه به پیش‌بینی ستادهای استانی و محلی در قانون و اختیارات مبسوط و وسیعی که برای آن‌ها پیش‌بینی شده‌است، به نظر می‌رسد برای جلوگیری از تشکیل نهادهای موازی و نقض موردی قانون اساسی، بهترین راه حل، اجرای این قانون بود که البته توسط برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم در این زمینه به دولت تذکر داده شد.

۳- در صورتی که دولت تصمیم بر آن داشت تا وزارت بهداشت را در خط مقدم جبهه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری قرار دهد، راه حل دیگر استفاده از امکانات ناشی از "قانون اجازه الحاق دولت ایران به سازمان بهداشت جهانی" مصوب سال ۱۳۲۷ بود. بر اساس این قانون، الحاق دولت ایران به سازمان مذکور مستلزم همکاری با این سازمان و رعایت دستورالعمل‌های سازمان در شرایطی است که پدیده‌هایی مثل انتشار بیماری‌های واگیردار، جهان را با خطرات جدی مواجه می‌کند. بر اساس ماده ۱ اساسنامه سازمان مذکور، هدف سازمان بهداشت جهانی بالا بردن سطح سلامتی تمام افراد بشر است. بر اساس ماده ۲ اساسنامه، این سازمان برای نیل به هدف خود می‌تواند اقدامات زیر را انجام دهد.

- ❖ الف- اموری را که مربوط به سلامتی است و جنبه بین‌المللی دارد
- ❖ ب- برقراری و حفظ همکاری عملی با ملل متحد
- ❖ ج- تهیه معاونت‌های فنی مخصوص و در موارد فوری مساعدت‌های لازم به حکومت‌هایی که درخواست این معاونت‌ها و مساعدت‌ها را بنمایند
- ❖ د- تقویت و توسعه اقدامات برای مرتفع ساختن امراض ساریه و غیرساریه و غیره
- ❖ ه- تقویت و راهنمایی هر نوع تحقیق و پژوهشی که مربوط به سلامتی و بهداشت باشد
- ❖ و- در صورت ضرورت و در حدود توانایی متحدالشکل نمودن سبک تشخیص امراض

بر اساس ماده ۲۱ اساسنامه فوق، مجمع بهداشت اختیاری دارد آیین‌نامه‌ها و مقرراتی درباره هر اقدام صحتی و قرنطینه‌ای و یا هر عملی که باعث جلوگیری سرایت مرضی از کشوری به کشور دیگر گردد، تدوین نماید و بر اساس بند ط ماده ۲۸ این اساسنامه، یکی از وظایف رئیس شورای اجرایی سازمان، اخذ تصمیم فوری در مورد هر پیشامد فوری در حدود وظایف و توانایی مالی سازمان است و مخصوصاً می‌تواند به مدیر کل اجازه دهد تا اقدامات لازم برای جلوگیری از امراض ساری به عمل آورد. به این ترتیب با توجه به این که در دستورات سازمان مذکور الزام به انجام قرنطینه توسط دولت‌ها توصیه شده‌است، دولت می‌توانست با استناد به الزامات مذکور، با پیش‌بینی برخی محدودیت‌ها و یا دستور قرنطینگی، بدون آن که نیاز به مصوبه شورای امنیت ملی باشد، مبارزه با کرونا را سامان‌دهی کند. هم‌چنین بر اساس ماده ۲ آئین‌نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۴ هیأت وزیران: «هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی شناخته شود، ممنوع می‌باشد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است پس از تشخیص هر مورد از مواردی که در حیطه وظایف این وزارت است، رسماً اقدام قانونی معمول و در سایر موارد موضوع را به مراجع ذیربط جهت انجام اقدام‌های قانونی فوری اعلام نماید. متخلفان از مقررات بهداشت عمومی، تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت». بر اساس ماده ۹ آیین‌نامه مذکور: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی علاوه بر وظیفه قانونی مبارزه با ناقلین بیماری‌ها، عهده‌دار نظارت بر امر مبارزه با بندپایان، جوندگان و حیوان‌های ناقل بیماری‌ها نیز می‌باشد. مراجع ذی‌ربط ملزم به رعایت دستورالعمل‌های بهداشت محیطی این وزارتخانه در این مورد هستند». از مواد مذکور استنباط می‌شود افرادی که مبتلا به بیماری کرونا هستند و تهدیدی برای بهداشت عمومی محسوب می‌شوند و تردد آن‌ها در معابر عمومی و سطح شهرها برای بهداشت عمومی خطرناک است، باید تابع مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشند. در این صورت اگر وزارت مذکور تشخیص دهد برای جلوگیری از انتقال ویروس به دیگران قرنطینه هم لازم است، باید رعایت شود و متخلفین دارای مسئولیت خواهند بود. هر چند عدم رعایت مصوبات مذکور دارای ضمانت اجرای روشن و شفافی نیست و قانون صرفاً به عبارت مبهم «تحت پیگرد قانونی قراردادن» اکتفاء کرده‌است. بنظر می‌رسد همان‌گونه که عدم قرنطینه شهرها توسط

دولت، نمی‌تواند مجوزی برای افراد مبتلا به ویروس برای تردد و حضور در اماکن عمومی باشد که لازمه آن اطلاع‌رسانی صحیح و قاطع دولت در این زمینه است؛ فقدان ضمانت اجرای مناسب برای مصوبات مذکور هم مانع تصمیم‌گیری وزارت بهداشت در زمینه پیش‌بینی راه‌های مناسب مبارزه با بیماری مذکور نیست. از سوی دیگر حسب اصل ۷۹ ق.ا. نیز مجلس شورای اسلامی این امکان قانونی را داشت تا محدودیت‌هایی جهت آمد و شد برقرار سازد. طبق اصل مذکور برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و در شرایط اضطراری دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

۴- در قانون "طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار" مصوب سال ۱۳۲۰ قانونگذار علاوه بر تعیین شرح وظایف و مسئولیت‌های افراد و نهادهای مختلف اقدام به تعیین ضمانت اجرای کیفی برای متخلفان نیز نموده‌است که بهره‌مندی از قانون فوق نیز در موقعیت فعلی می‌توانست راهگشا باشد.

۵- همچنین در سال ۱۳۳۳ قانونگذار با وضع قانون "حمایت از کارمندان مسلول و پیشگیری از سل" به نحوی کاملاً شفاف اقدام به تعیین تکلیف وضعیت کارمندان مبتلا به بیماری سل نموده‌است. در این میان می‌توان به بند ۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها (مصوب ۱۳۳۴) پیرامون شرح وظایف شهرداری‌ها جهت جلوگیری از انتقال امراض مسری هم اشاره نمود که جملگی در زمره قوانین و مقرراتی هستند که در شرایط شیوع بیماری‌های واگیردار مانند کرونا و حل موقت معضلات پیش رو این امکان وجود داشت که از آن‌ها بهره جست.

## پیام پایانی

در یک نظام حقوقی سامان‌یافته، لزوم وجود ساختار قانونی منسجم و شفاف امری حیاتی و بدیهی است. عدم رعایت اصل حاکمیت قانون و سلسله مراتب قانونگذاری در فرآیند پیشگیری و مقابله با بیماری کرونا منجر به سرگردانی و عدم تبعیت شهروندان از دستورات صادره و دخالت نهادهای غیرتخصصی و نیز آشفتگی در تصمیم‌گیری مسئولین گردیده‌است که نهایتاً منجر به شیوع چشمگیر این بیماری و افزایش درد و رنج ناشی از آن و نیز مرگ هزاران انسان خواهد شد. با این وصف به نظر می‌رسد وقت آن رسیده که قانونگذار علاوه بر توجه به قوانین موجود که برخی از آن‌ها در سال‌های خیلی دور در مورد بیماری‌های مسری به تصویب رسیده‌است، اقدام به تدوین قوانین مناسب نماید. تدوین قوانینی از این دست به صورتی کاملاً دقیق و همه‌جانبه پس از عبور از بحران بیماری کرونا امری ضروری و حیاتی است تا بتوان در سایه آن ضمن حفظ حق حیات، حقوق، آزادی‌ها و تمامیت جسمانی شهروندان، بستری مناسب جهت مبارزه با اینگونه حوادث از طریق اعمال قانون و ضمانت اجرای کیفی و مدنی فراهم ساخت. در وضعیت موجود توصیه می‌شود دولت هرچه سریعتر زمینه اجرای قانون "مدیریت بحران کشور" مصوب ۱۳۹۸ را فراهم نماید و یا با ارائه لایحه فوری، ضمن تعیین جایگاه قانونی برای "ستاد ملی مبارزه با کرونا"، شرح وظایف و اختیارات آن و مسئولیت متخلفان از دستورات ستاد را تعیین کند تا مصوبات ستاد مذکور هم جنبه قانونی داشته باشد و هم برای همه سازمان‌ها، نهادها و نیز شهروندان لازم‌الرعایه گردد.